

مدرسه علمیه امام خمینی (ره) شهرستان رباط کریم

**موضوع:**

**محققين:**

سهیلا بهاری

زهرا مهدیخانی

بهار 1390



**چکیده**

موضوع مقاله ی حاضر رزق وروزی از دیدگاه آیات وروایات می باشد ودارای رویکردی توصیفی است .رزق به معنای عطا و بخشش مستمر است و در آیات قرآن واژه رزق و روزی همراه با صفت هایی به کار رفته است. مفهوم رزق و روزی با توجه به کاربردها و ابعاد آن به رزق عام و خاص و با تدبیر و بدون تدبیر، مادی و معنوی و غیره قابل تقسیم است که هر یک توضیح مختلفی به خود دارد.

از آیات قرآن کریم استفاده می شود که همه چیز مشمول تقدیر الهی است؛ از امور کلی تا امور جزئی تا آن که افعال اختیاری انسان نیز مشمول تقدیر اللهی است. بعضی افراد از این گونه آیات تعبیر نادرست می کشد و درحالی که سست و تنبل هستند و در پی روزی نمی روند و بعضی دیگر به استثمار افراد دیگر می پردازند ولی افراد آگاه و عاقل متوجه هستد، که برای به دست آوردن روزی باید تلاش وکوشش کنند و معین بودن روزی به دست خداوند متعال، برای جلوگیری از ظلم و جنایت و دنیاپرستی است .در این مقاله بر آنیم تا چرایی کاهش و وسعت روزی را بررسی و آیا ت وروایات مرتبط بآن ذکر نموده تا ازاین طریق به مصلحت ها وحکمت های خدا و چگونگی تقسیم روزی بین آفریدها و رابطه ی آن با عدالت آگاه شویم.

اعمال پسندیده و صالح و ناشایست و گناه های انسان تاثیر بسزایی در وسعت وکاهش روزی دارند.

**کلید واژه:** رزق حلال، رزق بسیط، قبض رزق، انفاق

**مقدمه**

((ان الله هوالرزاق ذوالقوه المتین ))

((خداست روزی رسان واوست دارنده ی نیرویی سخت واستوار ))

((روزی ورزق)) وابعاد گوناگون آن موضوعی است که در بسیاری از آیات قران کریم و روایات معصومین علیه السلام به آن پرداخته شده تا آن جا که بعد از بیان آفرینش پدیده های عالم وبهای تکوین، رزق و ارتزاق موجودات عالم مطرح گردیده است .

خداوند متعال در قرآن می فرمایند : ((الله الذی خلقکم ثم رزقکم))

((خداست آن که شما را آفریده و روزی بخشیده است ))

از این آیه به این گونه برداشت می شود که همان اندازه که اصل خلقت و تکوین انسان وجهان اهمیت دارد، مساله معشیت وارتزاق نیز دارای اهمیت است .امام علی علیه السلام در این باره می فرمایند : چون موجودات عالم همه مخلوق خداوند می باشد،خداوند آن هارا دوست دارد وبه ایشان روزی می دهد.

تامین نیازمندهای موجودات زنده وبه تعبیر دیگر رزق وروزی آن ها ،از جالب ترین مسائل است که با گذشت زمان وبا پیشرفت علم ،پرده از اسرار آن برداشته می شود وصحنه های شگفت انگیر تازه ای ازآن به وسیله ی علم فاش می گردد.در این مقاله برانیم تا موضوعات رزق وروزی وابعاد گوناگون

 آن مورد بررسی قرار دهیم .امید آن است ،این تلاش ناچیزمورد رضایت خداوند متعال وامام عصر عجل الله قرار بگیرد.

**1-مفهوم رزق و روزی**

کلمه رزق وروزی به معنایی عطا وبخشش مستمر واز آن جا با روزی الهی مستمراو به موجودات است ،به آن رزق می گویند.این نکته لازم به تزکر است که مفهوم آن در نیازهای مادی ومعنوی را شامل می گردد.بنابرین می گوییم خداوند با علم کامل به من روزی عطا کن یا می گوییم اللهم ارزقنی الشهادۀفی سبیلک خداوند ا شهادت در راهت را نصیب من گردان .

بخش مستمر ومداوم ،اعم از مادی ومعنوی ،بنابرین هر گونه بهرای را که خداوند نصیب بندگان می کنداز مواد غذایی،مسکن،پوشاک و یا علم وعقل وفهم وایمان واخلاص به همه اینها رزق گفته می شود وآنهای که مفهوم این کلمه را محدود به جنبه های مادی می کینند، توجه دقیق به موارد استعمال ندارند.1

رزق بودن یک بهره بستگی به اندازه نفع خوردن ونفع رساندن ازآن دارد .ازاین رو کسی که به او مال فروانی عطا شده است، ولی جزء مقدار کمی از آن را مورد استفاده قرار نمی دهد، آن مال رزق او به شماره نمی آید، مگر آن که از نظر بخشش وعطائی که به او شده است مورد توجه قرار گیرد .2

و در کل رزق چیزی است که بهره بردن از آن صحیح وجایز باشد وهیچ کس حق منع کردن شخص از آن را نداشته باشد .3 مگر این که از راه شرعی بدست نیامده باشد .

امام علی (علیه السلام)می فرماید: (عیاله الخلق ضمن ارزاقهم و قدر اقواتهم )

(آفریدگان روزی خوار اویند، روزی آنان را ضمانت کرده و قوت آنان را مقدر داشته است.) در این جا می توان فهمید که رزق همان روزی است که خداوند آنرا برای انسانهای تضمین فرموده است.4

2- رزق و **روزی** و اقسام آن

درآیات قرآن واژه رزق و روزی همراه با صفت هایی مانند کریم، حسن، طیب، حلال... به کار رفته است که باتوجه به آن ها و کاربردها و ابعاد دیگر این واژه می توان تقسیمات ذیل را برای انواع رزق وروزی بیان کرد.

**1-2 رزق عام و خاص**

همانطور که رحمت الهی بر دو قسم است، رحمت عامه یعنی رحمتی که شامل همه خلایق اعم از (مومن و کافر) وغیر انسان می شود و رحمت خاصه یعنی رحمتی که در طریق سعادت قرار گرفته وبه مومنین اختصاص دارد. رزق هم بر دوقسم است: رزق عام؛ یعنی عطیه ای وسیله بقای هر موجود می شود،اعم از انسان وغیر انسان و رزق خاص؛ یعنی عطیه ای که در مجرای حلیت واقع شده وعبارت است از آن چه نزد خداوند برای آخرت مومنین ذخیره شده است.

رحمت عام و رزق عام هردو مکتوب ومقدر است وهمچینین رحمت خاصه ورزق خاص و هردو مقدرند5 ونام دیگر رزق خاص را رزق موعود نامید و آن رزقی است که خدا به اهل توکل و تقوا وعده داده است که بی زحمت وبی مشقت از جایی که گمان ندارند به آنها می رساند6، چنانچه خدای متعال می فرماید «منع یتق اله یجعل له مخرجا \* ویرزقه من حیث لا یحتسب ... »7

**2-2 رزق با تدبیر وبدون تدبیر**

امام علی علیه السلام می فرمایند: « ان رزق رزقان تطلبه ورزق یطلب فان انت لم تاته اتاک »8 روزی دوقسم است،رزقی که تو او را طلب می کنی وروزی که در پی توست و اگر دنبالش نروی او خود به سراغ تو می آید.گاهی طالب روزی وظیفه دارد که به طرف روزی حرکت کند وخود را به روزی برساند که این مصداق «رزق تطلبه »9 یا رزق مکسوب است و آن روزی است که انسان کسب می کند وسعی وکوشش او موجب تهسیل روزی می شود و با آن کوشش، روزی وسعت پیدا می کند.10 چنانچه خدای متعال می فرماید« و ان لیس للانسان الا ما سعی »11. و گاهی روزی وظیفه دارد به سوی بنده بدود که این مصداق « رزق یطلبک» است مثل باران که مکلف است بر مرکب ابر به سوی زمین های خشک بدود. موارد بسیاری است که آدمی بدون آن که برنامه وتدبیری برای کسب روزی در زندگی داشته باشد، خداوند زمینه را بر سر راه قرار داده است و از این طریق به بنده خود روزی های مادی و معنوی عطا می فرماید.

**3-2 رزق و روزی مادی و معنوی**

رزق معنوی، رزقی فنا ناپذیر و نا محدود ومایه ی حیات به جان آدمی است که بدون پیش بینی بنده به او می رسد. برخی از مصادیق آن عبارت است از:ایمان، جهاد، دین؛قرآن، توفیق عمل صالح،بهشت و ... به عنوان مثال قرآن درباره شهیدان راه حق می گوید: « بل احیاء عند ربهم یرزقون»12 «آن ها زنده اند و نزد پروردگارشان روزی می برند» روشن است روزی شهیدان آن هم در جهان برزخ، نعمت های مادی نیست، بلکه همان مواهب معنوی است که حتی تصورش برای ما در این زندگی مادی مشکل است . 13در مقابل رزق معنوی، رزق مادی و دنیوی قرار دارد که به جلوه های ناپایدار که پس از زندگی از بین می رود، گفته می شود و در مقایسه با رزق اخروی وقتی حق است که مقدمه ای برای رزق اخروی باشد ومنظور از آن کسب رزق و روزی آخرت وسیله زندگی آن سرا باشد.14

**4-2 رزق حلال و طیب**

خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به مردم می فرماید ((یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالا طیبا))15 (ای مردم از آن چه در زمین حلال وپاکیزه است تناول کنید )

حلا ل چیزی را می گویند که ممنوعیتی نداشته باشد ،یکی از راه های رسیدن بهسعادت ابدی مراعات حلال وحرام است .پیامبر اکرم صلی اله علیه وآله )می فرمایند :((لایدخل الجنة من نیت لعمه من السحت ،النار اولی به)) کسی که گوشتش از حرام بروید به بهشت نمی رود ،آتش به او سزاورتر است . 16(طیب ))به معنای ملایم وسازگار بودن با طبع است ،طیبات مفهوم وسیعی دارد وهر گونه روزی پاک را شامل می شود ،خواه جنبه ی مادی داشته باشد یا معنوی. توضیح آن که زندگی صحیح وسعید آدمی مبتنی بر رزق حلال وطیب است وانسان وقتی در زندگی به سعادت مطلوب نایل شود که به وسیله ی ارتزاقش چیزهای باشد که با طبعش سازگار باشد تا بتواند به انجام کارهای حیاتیش که مهمترین آن فکر سالم و آزاد است ،بپردازد.17خداوند حکمت ارتزاق از طیبات را چنین بیان کرده است :ماکولات شما را مطابق حکمت ومصلحت ،طیب وپاکیزه قراردادیم که از آن ها لذت ببرید تا موجب شود منعم خود را سپاس گذار باشید.از دیگر اقسام رزق وروزی به رق حسن ،رزق کریم ورزق معلوم و...می توان اشاره کرد.

**3- تقدیر رزق و روزی و رابطه آن با تلاش وکوشش**

از آیات قراآن کریم استفاده می شود که همه چیز مشمول تقدیر الهی است؛ از امور کسی گرفته تا امور جزئی تا آن جا که افعال اختیاری انسان نیز مشمول تقدیر الهی است. خداوند می فرماید:«انا کل شیء خلقناه بقدر»18 ما هرچیزی را به اندازه معین آفریدیم. رزق وروزی موجودات به اندازه ی حساب شده ومناسب حال موجودات است که از نظر کمیت وکیفت کاملا مطابق با خواسته ها ونیازهای آنان است، حتی غذای کودک که در رحم مادر است . درهمه روزها از شیر مادر استفاده می کند، اما ترکیب این شیر هر روز با روز دیگر تفاوت دارد.19 خداوند در قرآن کریم می فرمایند:« و ما دابة فی الارض الا علی الله رزقها ویعلم مستقرّها ومستودعها کلّ فی کتب مبین»20 «چگونه خداوند از نهان و آشکار امور واز راز دلها آگاه نباشند در صورتی که هیچ جنبنده ای در زمین نیست مگر این که روزیش تنها برعهده ی خداست وقرار گاه وگردشگاه آن را می داند و ... »

باتوجه به آیه فوق این سوال به نظر می رسد آیا روزی هر کس از آغازتا پایان عمر تعیین شده، وخواه نا خواه به او می رسد؟ با اینکه باید به دنبال آن رفت و آن را به دست آورد؟

بعضی از افراد سست وبی حال، با اتّکا به تعبیراتی همانند آیه فوق یا روایاتی که روزی را مقدر ومعیین معرفی می کند، فکر می کنند، لزومی ندارد که انسان برای تهیه معاش،زیاد تلاش کنند، چرا که روزی مقدر است و در هر حال به انسان می رسد وهیچ دهان بازی بدون روزی نمی ماند . این چنین افراد نادان که شناختشان درباره دین و مذهب فوق العاده سست وضعیف است، بهانه به دست دشمنان می دهند که مذهب عاملی است برای تحذیر رکود اقتصادی و خاموش کردن فعالیتهای مثبت زندگی وتن دادن به انواع محرومیت ها به عذر این که اگر فلان موهبت نصیب من شده حتما روزی من نبوده اگر روزی من بود بدون چون وچرا به من می رسید و این فرصت خوبی برای استثمارگران، که هرچه بیشتر مردم محروم را بدوشند و آنها را از ابتدایی ترین وسایل زندگی محروم کند.21

یکی از ضرب المثل های معروف بین مردم که گاهی با برداشت نادرستی از آن، رزاقیت الهی وتامین روزی از جانب ایشان را در تعارض با تلاش وکوشش ویا لزوم آن توجیه می نماید، این است که:(هر آن کس که دندان دهد، نان دهد ) شهید مطهری درتوضیح این ضرب المثل می گوید: این که گفته می شود، هر آن کس که دندان دهد نان دهد، نباید گفت حرف نادرستی است؛ اما نه به این معنا که دندان داشتن کافی است برای اینکه نان پخته و آماده بر سر سفره انسان ظاهر شود بلکه به این معناست که در دستگاه خلقت بین نان ودندان رابطه است، اگر نان نبود، دندان نبود واگر دندان وصاحب دندان نبود، نان نبود.

بنابراین بین روزی خود و سایر تحصیل آن و از جهت هضم وجذب و وسایل هدایت وراهنمایی به روزی، در متن خلقت ارتباط است. پس لازمه این که می گویم،تامین رزق و روزی با خداست وخدا هم نان داده ودندان هم داده این نیست که کار وکوشش وفعالیت لازم نیست و به کار انداختن اندیشه برای پیدا کردن راه بهتر وتحصیل روزی لازم نیست؛بنابراین با شناخت روزی و وسایل رسیدن به آن، باید بدانیم تکلیفی هم برای تحصیل آن متوجه ما هست وباید کوشش نماییم از بهترین وسالم ترین راه، روزی مقدر و مشروع را که خداوند وعده داده است را بدست آوریم. 22

آشنایی مختصر با قرآن و احادیث اسلامی کافیست برای پی بردن به این حقیقت که اسلام پایه هر گونه بهره گیری مادی و معنوی انسان را، سعی وتلاش وکوشش می شمرد، تا آن جا که از جمله اشعار گونه قرآن «لیس للانسان الا ما سعی » 23بهره انسان را منحصراً در کوشش وکارش قرار می دهد. پیشوایان اسلامی برای اینکه سر مشقی به دیگران بدهند در بسیاری از مواقع کار می کردند کارهای سخت و طاقت فرسا .

پیامبران پیشین نیز از این قانون مستثنی نبوده اند از چوپانی گرفته ، تاخیاطی زره بافی و کشاورزی .اگر مفهوم تعیین روزی از طرف خدا، نشستن در خانه وانتظار روزی باشد،نباید پیامبران وامامان که از همه آشناتر به مفاهیم دینی هستند، این همه برای روزی تلاش کنند.

بنابراین روزی هرکس مقدر و ثابت است ولی در عین حال مشروط به تلاش وکوشش می باشد هر گاه این شرط حاصل شود مشروطی است از میان می رود.

نکته مهم این است که این آیات و رویات مربوطه به معیین بودن روزی، در واقع ترمزی است روی افکار مردم هریس ودنیا پرست که برای تامین زندگی به هر در می زنند وهر ظلم و جنایتی را مرتکب می شوند به گمان این که اگر چنین زندگی نکنند زندگیشان تعمین نمی شود. آیات قرآن واحادیث اسلامی به این گونه هشدار می دهد بیهوده تلاش نکنند واز طریق نا معقول و نامشروع برای تهیه روزی تلاش ننمایند همین اندازه که از طریق مشروع گام بردارند وتلاش وکوشش کنند مطمئن باشند خدا از این راه، همه نیازمندی های آنها را تامین می کند.24

احادیث زیادی بر طلب رزق از راه مشروع تاکید دارد که از طریق سعی و تلاش انسان به دست آمده است.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند (تلاش برای بدست آوردنی روزی حلال را رها مکن، همانا دست یابی به روزی حلال کمکی است برای اطاعت از فرامین الهی ) 25

حضرت علی علیه السلام می فرمایند(هنگامی که موجودات در آغاز با هم ازدواج کردند، تنبلی وناتوانی با هم پیمان زوجیت بستن و فرزندی از آن ها به نام فقر متولد شد)26

از این احادیث و از آیاتی که مشتمل بر سعی و تلاش انسان است، معلوم می شود با این که تقدیر روزی از جانب خداوند است ولی خود انسان نیز باید اهتمام لازم را انجام دهد. چرا که بدون رنج، گنج میسر نمی شود.

بنابراین تامین وتضمین روزی به این معنی نیست که آن را برای انسان عاقل باشعور فراهم ساخته به درخانه اش بفرستد یا لقمه کند ودر دهانش بگذارند،بلکه زمینه ها فراهم شده است و تلاش و کوشش انسان شرط تحقق وبه فعلیت رسیدن این زمینه هاست،حتی مریم سلام الله علیها در آن شرایط سخت وضع حمل در آن بیابان خلوتی که خداوند روزیش را به صورت خرمای تازه به شاخسار نخلی که در آن بیابان بود ظاهر ساخت، مامور شد حرکتی کند وخداوند فرمود (تو ای مریم تکانی به این درخت نخل بده تا رطب تازه بر تو فرو ریزد. ) اگر انسان بخواهد در این کره خاکی از منابع موجود استفاده کند باید باهوش و درایت، آن ها را کشف وبه کار گیرد و اگر انسان در این زمینه کوتاهی کند مقصر خود اوست . 27

**4- تنگی و وسعت رزق**

از مسایل دیگری که در زمینه رزق وروزی در قرآن مجید و احادیث مورد توجه قرار گرفته است،مسئله « قبض» و «بسط» دررزق است .

همان طور که تامین روزی مخلوقات از سعی پروردگارمتعال است در وسعت قرار گرفتن انسان از جهت روزی (بسط روزق ) و یا در تنگنا قرار گرفتن از جنبه روزی (قبض رزق) نیز به اراده پروردگار مربوط می شود ونقش تلاش وجدیت انسان برای و سعت و روزی، همان گونه که برای بدست آوردن روزی تلاش می کنند در گذشته تذکر داده شده که تامین نیاز هر موجودی به عهده خداوند منان است ودر حقیقت ، فعالیت وجدیت، یکی از ابزار و وسائل رزق است و هر مقدار انسان در راه وسعت روزی کوشا باشد به همان مقدار خداوند مزد سعی وکوشش را به عطا می فرماید. 28

قرآن مجید در یازده مورد قبض و بسط روزی را به خداوند روزی می دهد مورد نحستین«من اذالذی یوقوض الله قورمنا حسنا فیضا عفه له اضعافا کثیره والله یقبض ویبسط والیه ترجعون» 29 (کیست که مال خود را به خداوند متعال قرض الحسنه دهد تا خداوند برای او چندین برابر بیفزاید وخداوند است که او را در تنگنا و وسعت قرار می دهدوشما به سوی او بازگشت داده می شوید) مورد دوم می فرماید (واله یبسط الرزق لمن یشاء ویقدره)30(خداوند متعال روزی را وسعت می دهد برای هرکس که بخواهد و کم می کند برای هر کس مه بخواهد) مورد سوم«له مقالید السماوات والارض یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر انه بکل شیء علیم» 31 (کلیدهای آسمان و زمین از آن اوست، روزی را برای هرکس بخواهد گسترش می دهد وهرکس را بخواهد تنگ روزی می گراند که او از همه چیز باخبر وبه هرکاری داناست) تذکر به علم نا محدود خداوند در پایان آیه به جهت آن است که کسی دچار اشتباه نشود وفکر نکند که فقر و کمبود بعضی و وسعت دیگران بدون حکمت و مصلحت است بلکه خداوند به مصلحت همه بندگان دانا و آگاه بوده ونیز نسبت به ایشان روؤف ومهربان است وبرای هرکس آنچه خیر وصلاح است تقدیر می فرماید.

**5- عوامل موثر بر فقر و وسعت روزی**

**1 -5 عوامل فقر**

**الف: حکمت و مصلحت خدا**

خداوند می فرماید« و لو بسط الله الرزق لعباده لبغوا فی الارض ولکن ینزل بقدر ما یشاء انه بعباده خبیر بصیر»32 (اگر خداوند روزی را برای همه بندگانش وسعت می بخشید در زمین طغیان وتجاور وستم می کردند از این رو به مقداری که می خواهد و مصلحت ایشان است روزی نازل می کند) زیرا که او نیت به وضع و حال بنده گانش آگاه و بینا است .

بدون شک خداوند که آفریننده همه موجودات و از آن جمله انسان است وی نیاز واحتیاج وراه تامین آن ویز گوشه و وضع کنونی و آینده او را به خوبی می داند، وبه آن آگاه است به این که در چه شرایطی در مسیر کمال خواهد بود ودر چه زمانی از سعادت وکمال وفضیلت دور می شود، وحال آن که انسان خیر وصلاح ونیاز خود را به درستی نمی داند وچون آگاهی کامل ندارد ممکن است چیزی را طلب کند که به زیان وضرر او باشد.33 حضرت موس علیه السلام فقیری را دید که از شدت تهیدستی برهنه روی ریگ بیابان خوابیده است>چون نزدیک آمد او عرض کرد ای موسی دعا کن تا خداوند متعال معاش اندکی به من بدهد که از بی تابی جانم به لب رسیده است، موسی برای دعا کرد واز آنجا به کوه طور رفت وبرای او دعا کرد چندروز بعد موسی (علیه اسلام) ازهمان مسیر باز می گشت،دید همان فقیر را دستگیر کرده اند وجمعی بسیار در گردش اجتماع کرده بودند پرسید: چه حادثه ای رخ داده است حافران گفتند تابه حال پولی نداشته تازه گی مالی به دست آورده وشراب خورده وعربده وجنگجوئی نموده وشخصی را کشته اکنون او را دستگیر کرده اند تا به عنوان قصاص اعدام کنند؛ پس موسی علیه السلام به حکمت و مصلحت الهی اقرار کرد و از جسارت و خواهش خود استغفار وتوبه نمود. 34 بنابراین یکی از حکمتهای خدا برای تنگ دستی جلوگیری از طغیان وسرکشی بندگان است از دیگر حکمتهای خداوند آزمایش بندگان وتنبه وعبرت گیری و... می باشد.

**ب: گناهان صادره از فرد**

روایاتی از معصومین بیان شده که بطو کلی گناه ومعصیت را موجب فقر معرفی می کند اعم از آن چه که مربوط است به اعضا وجوارح مانند دروغ گفتن و زنا کردن و حرام خوردن و ... است. وروایاتی که بطو خصوص موجب فقر مشخص می نماید مانند خیانت، کفران نعمت، شکایت از پروردگا، بی اعتنایی به نماز وسهل انگاری در باره آن وشنیدن آواز لهو ولعب وموسیقی ویا نواختن آن و...

امام محمد باقر در روایی به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره روزی می فرماید: سزاور است روزی حلال الهی از راه مشروع طلب شود زیرا به دست آورد آن از راه حرام باعث محرومیت از رزق حلال وباز خواست اللهی می گردد. 35

آیه 33 سوره قله نیز اشاره به این موضوع دارد دراین آیات که به سرانجام دردناک صاحبان باغ سربز اشاره می شود>که محرومان ومسضعفان را از برکات باغ محروم می کنند وخداوند نیز آنان را از روزیشان محروم می کند پس داستان صاحبان باغ که دنباله کا پدر را رها می کنند نشان دهنده این است که درمیان گناهان وقطع روزی رابطه ی نزدیکی وجود دارد. بنابراین در حدیثی از امام باقر علیه السلام می خوانیم: «ان الرجل لیذنب فیدر اعنه الرزق» گاه انسان گناه می کند و روزی او قطع می شود امام باقرعلیه السلام بعداز این گفته به آیات 33-17 سوره قلم اشاره می کند: هنگامی که صاحبان باغ سوگند یاد کردند،صبحگاهان میوه ها را بچینید، اجازه ندهند حتی یک نفر غیر از آن ها استفاده کند، اما بلائی از سوی پروردگارت در حالی که آن ها در خواب بودند بر آن باغ مسلط شد و آن را نابود کرد.

**2- 5 عوامل وسعت روزی**

به طور کلی اعمال پسندیده ونیکو موجب فزونی روزی ونعمت های پروردگار معرفی شده است علاوه بر این بطور خاص اعمالی را تذکر داده اند که سبب توسعه آن می گردد:مانند استغفار،شکر خدا، احترام به والدین، صله رحم،صرف مال در راه خدا، انفاق به فقرا، قرض الحسنه، توسعه رفاه همسر وفرزندان به اندازه مطلوب،ضیافت کردن ومهمان آوردن، سحرخیزی وبیدار بودن از اول اذان صبح تا طلوع آفتاب،زیارت امام حسین علیه السلام، حج عمره،توکل، صرف مال در راه حضرت سیدالشهداء، توکل، راضی بودن به تقسیم الهی وتقدیرات او، اظهار بی نیازی کردن، دعا واز خداوند طلب توسعه رزق، بعضی ازنمازها و دعاهایی که در خصوص وسعت رزق روزی دستور داده اند، توسل به ائمه هدی علیه السلام خصوصا حضرت جوادالائمه علیه السلام، عزت نفس داشتن، برآوردن حوائج مومنین، تلاوت قرآن مجید و انس داشتن با آن، اهمیت دادن به نماز اول وقت و به جا آوردن آن، پرداختن حقوق واجب مالی همانند، خمس، زکات وکفارات و اخلاق پسندیده 36 و... اکنون به توضیح چند مورد از موارد بالا می پردازیم تا تاثیر آنها را بیشتر متوجه شویم:

**الف: طهارت**

طهارت انسان در هر دو بخش ظاهری و باطنی همراه با بهره هایی برای انسان است اما طهارت هرگز رزق مادی را افزایش نمی دهد بلکه مقدمه ای است برای تنظیم شدن آن رزق چرا که طهارت به نفس انسان بر می گردد شما اگر یک ظرف مادی داشته باشید که به مقدار یک لیتر آب در آن جا بگیرد، بعد از ریختن یک لیتر آب در آن، پر خواهد شد ودیگر پذیرای مقدار بیشتری نخواهد بود و اگر هم بیشتر از ظرف در آن آب بریزند از ظرف سرازیر می شود. اما جان انسان که ظرف معنوی است، قابلیت آن را دارد که به محض اخذ غذا که علوم ومعارف وطهارت است : وسیع تر گشته و خواهان بیشتر از آن گردد به طور خلاصه طهارت تنظیم کنند رزق ظاهری و موجب ازدیا رزق باطنی است، چرا که فرد با طهارت، جرأت خواهش از خدا وطلب روزی کردن از خدا را دارد ولی فرد بدون طهارت، مجبور است برای فراهم کردن غذا، باهزاران زحمت ومشقت به این طرف و آن طرف بدود و خدا دوست ندارد با فردی که بی طهارت است هم سخن شود. 37

**ب: صدقه و انفاق**

حضرت علی علیه السلام می فرماید:« استنزلوا الرزق بالعطیه)) روزی را با انفاق فرود آرید38.وباز ایشان می فرمایند((:اذا املقتم فتاجروالاه بالصدقه)) چون به تنگدستی دچار آمدید با صدقه و انفاق با خدا سودا کنید.39

ایشان می فرمایند((من بذله فی ذاته الله ماله، عجل له الخلف)) کسی که به خاطر خدا ببخشد پرودگار شتاب ناک مال داده اش را جایگزین می کند40.

یکی از پسران امام صادق علیه السلام نامش ،محمد بود گاهی از مخارج زندگیش چیزی زیاد می آورد ،امام می فرمود ،چقدر از مخارج زندگیت زیاد آمده ؟عرض کرد ،چهل دینار فرمود :آنرا درراه خدا صدقه بده ،عرض کرد غیر از این پولی ندارم ،اگر صدقه بدهم چیزی برایم باقی نمی ماند،فرمود :برو آن را صدقه بده خداوند عوضش را میدهد،آیا نمی دانید هرچیزی کلیدی دارد و کلید رزق وروزی است.

محمد نصیحت پد ررا پذیرفت وآن چهل دینار اضافه را صدقه داد از این جریان ده روز نگذشته بود که چهل دینار برای امام آوردند .امام به محمد فرمود :پسر جانم !ما برای خدا چهل دینار دادیم خداوند به جای آن چهل هزار دینار به ما عنایت فرمود.41

از موارد دیگر در ازدیاد روزی می توان به موارد زیر در احادیث اشاره کرد:از پیامبر(( صلی الله علیه و آله)) نقل شده است :زیاد استغفار کنید ،زیرا استغفار روزی رابه سوی شما می کشاند.42

حضرت علی علیه السلام میفرمایند :((من حسنت نیته زید فی رزقه)). هرکس قصدش نیکو باشد روزی اش فراوان می گردد.43

**6- تفاوت با عدالت سازگار است؟**

در سوره نمل آیه 71 می خوانیم « و اله فضل بعضکم علی بعض فی الرزق » خداوند بعضی از شما را بر بعضی دیگر از شما برتری داد.44

در این جا این سوال پیش می آید که آیا در ایجاد تفاوت و اختلاف از نظر رزق وروزی درمیان مردم با اصول عدالت پروردگار و مساواتی که باید برنظام جوامع حاکم باشدف سازگار است؟

در پاسخ این سوال باید به دو نکته توجه داشت.

1- بدون شک اختلافی که در میان انسان ها از نظر بهره سازی مادی و درآمدها وجود دارد قسمت مهمش مربوط به تفاوت استعدادهای آن هاست، این تفاوت استعدادهای جهانی و روحانی که سرچشمه تفاوت در کمیت وکیفیت فعالیتهای اقتصادی می شود بهره بعضی را بیشتر ودرآمد بعضی را کمتر می کند.البته تردیدی نیست که گاهی صرفا حوادثی که از نظر ما جنبه تصادف دارد سبب می شود که بعضی به مواهب بیشتری دست پیدا کنند، ولی این ها را می توان امور استثنائی شمرد آنچه پایه وضابطه اصل در غالب موارد است، همان تفاوت در کمیت و کیفیت تلاش هاست .حتی کسانی را که گاهی ما آن ها را انسانهای بی دست وپا وبی عرضه می پنداریم واز اینکه در آمدهای قابل ملاحظه ای دارند تعجب می کنیم، اگر بادقت بیشتری در جسم وروان واخلاق آن ها بیندیشیم وقضاوت هائی که از مطالعات سطحی سرچشمه می گیرد،دور بیفکنیم، خواهیم دید که آن ها غالباً نقطه قوتی داشته اند که به جائی رسیده اند.به هر حال این تفاوت در آمدها از تفاوت استعدادهائی سرچشمه می گیردکه آن هم نیز از مواهب الهی است، ممکن است در پاره ای از موارد اکتسابی باشد ولی در پاره ای از موارد نیز قطعاً غیر اکتسابی است بنابراین حتی در یک جامعه اسلامی از نظر اقتصادی نیز تفاوت در آمدها غیر قابل انکار است مگر اینکه بتوانیم انسانهای قالبی همشکل وهمرنگ وهم استعداد بسازیم که هیچگونه تفاوتی باهم نداشته باشند وتازه اول دردسر ومشکلات است!

1. بدن یک انسان،یا اندام درخت، یا یک بوته گل را درنظر بگیرید آیا امکان داد این ساختمان موزون با تساوی میان اعضا واندام ها، از هر نظر پیدا شود؟ آیا قدرت مقاومت و استعداد ریشه درختان می تواند با گلبرگهای لطیف شکوفه ها واستخوان یا پاشنه پا یا پرده های ظریف شبکیه چشم از هر نظر یکسان باشد، و اگر ما بتوانیم آن ها را یکسان کنیم، آیا فکر می کنید، کار صحیحی انجام داده ایم؟!

اگراز «شعارهای» کاذب و خالی از «شعور» بگذریم، فرض کنیم ما یک روز بتوانیم همه انسان های قالبی وخیالی از هر نظر بسازیم وکره زمین را از پنج هزار میلیون نفر انسان هم شکل و همقدار وهم ذوق و همفکر وهمسان از هر نظر، درست مانند شیارهائی که به یک کارخانه سفارش داده اند، پرکنیم. آیا آن روز زندگی خوبی نصیب انسان ها خواهد شد؟ مسلماً نه، جهنمی پیدا می شود که همه در آن در زحمت خواهند بود، همه به یک سود حرکن می کنند، همه یک چیز می خواهند، همه یک پست مطلبند و همه یک نوع غذا را دوست دارند وهمه می خواهند یک کار واحد انجام دهند.

بدیهی از خیلی زود عمر چنین زندگی به پایان می رسد وبه فرض باقی بماند زندگی خسته کننده ی بی روح و یک نواختی خواهند بود که چندان تفاوتی با مرگ ندارد. وجود تفاوت در استعدادها و آنچه لازمه این تفاوت است، برای حفظ نظام جامعه وقتی برای پرورش استعدادهای مختلف،نهایت لزوم را دارد، وشعارهای کاذب هرگز نمی تواند جلو این واقعیت را بگیرد.45

بنابراین اگر تفاوتی در انسان ها وجود نداشته باشد وهمه انسان ها به یک اندازه استعداد داشته باشند زندگی، زندگی یک نواختی خواهدشد، به مانند زندگی زنبور ها ومورچه ها که فقط کار می کنند واین تفاوت ها است که موجب می شود استعدادهای نهفته بیدار شود و همه در رقابت سالم و در کنار هم قرار بگیرند به شرطی که از این سخن این گونه تفسیر نشود که از تفاوت استعداد ها و درآمدها سوء استفاده کرده وباعث به وجود آمدن فاصله طبقاتی در جامعه شده وبه تعبیر دیگر، تفاوت استعدادها باید در مسیر سازنده به کار افتد، درست مانند تفاوت ساختمان اعضا یک بدن یا اندام گل ،آن ها در عین تفاوت معاون یکدیگرند، نه مزاحم یکدیگر.آیه 32 زخرف نیز به همین امر اشاره دارد.

**نتیجه**

مساله رزق و روزی از دغدغه ی بسیاری از مردم است. ولی خداوند با توجه به آیات و روایات آن را ضمانت کرده است.

بعضی از رزق و روزی ها بدون برنامه و تدبیری توسط خداوند بر سر راه آفریده ها قرار می گیرند و بعضی از رزق ها را انسان باید تلاش و کوشش کند و به دست آورد. انسان وقتی در زندگی به سعادت مطلوب نایل می شود که وسیله ارتزاقش چیزهایی باشد که با طبعش سازگار باشد و از راه حلال باشد که تابدین وسیله به انجام کارهای حیاتی اش که مهم ترین آن فکر سالم و آزاد است بپردازد .

عوامل زیادی باعث افزایش و یا کاهش روزی انسان می شوند که بعضی از آنها بر اساس حکمت و مصلحت خداوند و بعضی موارد از اعمال پسندیده و ناپسند واستعداد انسان نشأت می گیرند.

این تقاوت هادربدست آوردن رزق وغیره است که موجب بیدارشدن استعداد های نهفته در انسان می شودوهمه می توانند در رقابت سالم در کنار هم قرار گیرند،به شرط این که از تفاوت استعداد ها سوءاستفاده نکنند وباعث به وجود آمدن فاصله طبقاتی نشوند.

**پی نوشت ها**

1. ناصر، مکارم شیرازی، تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ 31، 1388، ج9، ص33.
2. معاونت تربیتی و فرهنگی، معشیت و اقتصاد خانواده، قم، امام خمینی، 1384، ص11.
3. علی، شیروانی، ترجمه کشف المراد، قم، دارالعلم، 1383، ج 1، ص215.
4. نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، تهران، پیام عدالت، خ 91.
5. معاونت تربیتی و فرهنگی، ص28.
6. زین العابدین، احمدی، انفاق و صدقه در اسلام، قم، میثم تمار، چاپ اول، 1378، ص12.
7. طلاق/2.
8. نهج البلاغه، ح 431.
9. معاونت تربیتی وفرهنگی، ص29.
10. زین العابدین، احمدی، ص120.
11. نجم/39.
12. آل عمران/169.
13. ناصر، مکارم شیرازی، ج 9، ص34.
14. معاونت تربیتی و فرهنگی، ص 30.
15. بقره /169.
16. محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، چاپ هشتم، 1386، صص114و112 .
17. محمد حسین، طباطبایی، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه قم، 1388، ج 8، صص114و112.
18. قمر/49.
19. معاونت تربیتی و فرهنگی، ص15.
20. هود/6.
21. ناصر، مکارم شیرازی، ج 9، صص36و37.
22. محمد جمال، اشکذری، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، موسسه ی پژوهشی و آموزشی امام خمینی، 1383، ص212.
23. نجم/39.
24. ناصر، مکارم شیرازی، ج 9، صص36و37.
25. محمد باقر، مجلسی، بحارالانوار، تهران، مکتب السلامیه، ج 71، صص137و138.
26. محمد بن حسن ، حر عاملی، وسایل الشیعه، آل بیت، ج12، ص38.
27. ناصر، مکارم شیرازی، بکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، تهران، دفتر برگزیده، چ اول، 1378، صص625 و 624.
28. محمد باقر، علم الهدی، خورشید اسلام چگونه میدرخشد، قم، حق یاوران، چ دوم، 1384، ج9، ص379.
29. بقره/245
30. رعد/26
31. شوری/12
32. شوری/27
33. محمد باقر، علم الهدی، ص382.
34. علی اکبر، صداقت، ،یکصد موضوع، پانصد داستان، قم، ناصر، چاپ اول، 1379، ص278.
35. محمدباقر، مجلسی، ج5، ص 148.
36. محمد باقر، علم الهدی، ج9، ص405.
37. داود، صمدی آملی، شرح مراتب طهارت، نور السجاد، 1385، چ دهم، صص40و41.
38. نهج البلاغه، ح132/1.
39. همان، ح 819/1.
40. همان،8737/2.
41. علی اکبر، صداقت، ص28.
42. محمد باقر، مجلسی، ج 21، ص 103.
43. همان.
44. نمل/71.
45. ناصر، مکارم شیرازی، ج 11، صص242و243.

**فهرست منابع و مآخذ**

\* قرآن کریم

\* نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، تهران، پیام عدالت.

1. احمدی، زین العابدین، انفاق و صدقه در اسلام، قم، میثم تمار، چاپ اول، 1378.
2. اشکذری، محمد جمال، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، موسسه ی پژوهشی و آموزشی امام خمینی، 1383.
3. شیروانی، علی، ترجمه کشف المراد، قم، دارالعلم، 1383، ج 1.
4. صداقت، علی اکبر، یکصد موضوع، پانصد داستان، قم، ناصر، چاپ اول، 1379.
5. صمدی آملی، داود، شرح مراتب طهارت، نور السجاد، 1385، چ دهم.
6. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه ی مدرسین حوزه ی علمیه قم، 1388، ج 8.
7. علم الهدی، محمد باقر، خورشید اسلام چگونه میدرخشد، قم، حق یاوران، چ دوم، 1384، ج9.
8. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، تهران، مکتب السلامیه، مجلدات 5 و 71.
9. محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، چاپ هشتم، 1386.
10. معاونت تربیتی و فرهنگی، معشیت و اقتصاد خانواده، قم، امام خمینی، 1384.
11. مکارم شیرازی، ناصر، بکصد و هشتاد پرسش و پاسخ، تهران، دفتر برگزیده، چ اول، 1378.
12. ـــــــــــــــــ ، ناصر،تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ 31، 1388، ج9.